

دکتر محمد اجزاء شکوهی
گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد

مراکز شهری و گتوهای قومی

– مطالعه موردی، کولی‌های شهر سبزوار –

چکیده:

مطالعه بخشهای مرکزی شهرهای ایران، نشان می‌دهد که گتوهای قومی به صورت یک واحد متشکل در برخی از این شهرها شکل گرفته‌اند. از جمله این گتوها، کولی‌های ساکن در حاشیه بخش مرکزی شهر سبزوار می‌باشد. این محله، به لحاظ کالبدی و بافت اجتماعی و فرهنگی، یکی از معضلات شهر سبزوار است.

مطالعه بخش مرکزی سبزوار، شناخت زیرساختهای فرهنگی، قومی و اقتصادی محله کولی‌ها، به عنوان یک گتوی قومی در بافت قدیم سبزوار، و کشف روابط بین متغیرهای جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی، برای بهسازی و بازسازی محلات، از اهداف این تحقیق به شماره می‌رود.

کولی‌ها گروهی کوچ‌نشین‌اند که بر اساس وضعیت محل، دارای کوچ و حرکات متقابل‌اند. سطح سواد و میزان آموزش در میان کولیهای سبزوار بسیار پایین است. همچنین، بیش از پنجاه درصد مساکن این محله با مشکلات شدید بهداشتی روبرو هستند. مهاجرت‌های فصلی نقش مهمی در زندگی کولیها دارد. نتایج این تحقیق بر اهمیت جنبه‌های اجتماعی مهاجرت کولی‌ها تأکید دارد. از ویژگیهای برجسته کولی‌ها در گلستان آمیخته شدن نقش سکونتگاهی و کارکرد تجاری می‌باشد. آزمونهای آماری اثبات می‌کنند که به احتمال بسیار زیاد، دو متغیر وضعیت اقتصادی و بافت و استحکام مساکن ساکنان در محله، به هم وابسته‌اند. این تحقیق نشان می‌دهد که مشکلات بهداشتی مساکن، یک مشکل عمومی محله است و شرایط اقتصادی خانوارها در آن چندان تأثیر ندارد.

وابستگیهای قومی و خویشاوندی، از مهمترین دلایل اسکان ساکنان در محله می‌باشد. مسائلی چون جرم و مشکلات خانوادگی از اهمیت بسیار کمی برخوردار است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد

که یکی از علل اساسی پیدایش و استمرار کوی گلستان در مرکز شهر، سهولت دسترسی به بازار کار و اشتغال در بخش غیر رسمی است. لذا جابجایی آنها به معنای دور کردن آنها از مکان کار است. همچنین از آثار منفی جابه جایی ساکنان کوی گلستان، متلاشی شدن شبکه‌ها و ارتباطات اجتماعی محله مذکور می‌باشد، که به آنها کمک می‌کند از عهده شرایط مشکل و سخت زندگی برآیند.

درآمد:

مطالعه بخش مرکزی شهرهای بسیاری از کشورهای جهان، از جمله ایران، نشان می‌دهد که این مناطق از لحاظ معیارهای: جمعیت، وضعیت اقتصادی و کالبدی با مشکلات زیادی رو برو هستند.

مطالعه بخش مرکزی کشورهای صنعتی نشان می‌دهد که این مناطق، محل سکونت طبقات کم درآمد و اقلیت‌های قومی، دینی و زبانی، نژادی شده‌اند. همچنین مطالعه شهرهای ایران نشان می‌دهد که برخی از محلات بخش مرکزی شهر به گروه‌های قومی اختصاص پیدا کرده و با گذشت زمان یک‌گتو را تشکیل داده‌اند. این محلات که معمولاً دارای سابقه طولانی هستند از پیروان گروه‌های قومی تشکیل شده‌اند که از روی اجبار به یک نوع جدایی‌گزینی تن داده‌اند.

در حال حاضر بازسازی و بهسازی بخش مرکزی شهرها، به عنوان یک ضرورت مورد توجه مدیران و برنامه‌ریزان شهری قرار گرفته است. از آنجا که معمولاً گتوها به صورت زائده‌ای در کنار بخش مرکزی شهر و در بافت قدیم شکل گرفته‌اند، لذا هر گونه برنامه ریزی در جهت بازسازی و بهسازی بافت قدیم شهرها نیازمند مطالعه و شناخت این گتوهاست.

در این تحقیق محله کولی‌های سبزوار، به عنوان یک گتوی قومی، مورد مطالعه قرار گرفته است. این محله در بخش مرکزی شهر سبزوار و در کنار بازار قدیم آن قرار دارد.

این گتو، که به نام محله کولی‌ها معروف است، ساکنان آن از مهاجرین دوره گرد و با سابقه تشکیل شده است. شغل و شیوه زندگی بیابانگردی موجب تفاوت‌های فرهنگی شده است. همچنین جدایی‌گزینی قومی و ضعف اقتصادی، منجر به عقب ماندگی فرهنگی و مشکلات کالبدی در محله مذکور شده است.

روش تحقیق:

روش تحقیق، به موضوع و هدف آن بستگی دارد. هدف این تحقیق، نشان دادن تحولات بخش مرکزی سبزوار، مطالعه شرایط فرهنگی، قومی و اقتصادی محله کولی‌ها و جستجوی راهبردهای بهسازی این محله می‌باشد. از این‌رو از دو روش تحقیق توصیفی و تحلیلی استفاده شده است. با توجه به نوع اطلاعات جمع‌آوری شده از خانوارهای نمونه در محله، به مطالعه تغییرات در یک یا چند عامل در اثر تغییرات یک یا چند عامل دیگر می‌پردازیم.

در این تحقیق به دلیل گستردگی جامعه آماری از هشتاد خانوار ساکن در محله کوی گلستان، هفتاد خانوار به شیوه نمونه‌گیری تصادفی بدون جایگذاری انتخاب شده است.

با در نظر گرفتن ویژگیهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی محله، سؤالات متعددی مطرح گردید، سپس بر اساس آنها، پرسشنامه‌ای کلی، برای شناخت محله مذکور تهیه و تکمیل گردید.

به منظور بررسی روابط متغیرها نسبت به سطح مقیاس هر یک، از آزمون جداول توافقی^۱ بهره گرفته شده است. این گونه محاسبات در پایان هر بحث تحت عنوان روابط بین عوامل آورده شده است.

اهداف تحقیق:

۱. مطالعه بخش مرکزی سبزوار و تحولات آن؛
۲. شناخت زیرساختهای فرهنگی، قومی محله کولیها در شهر سبزوار؛
۳. کسب اطلاعات دقیق از وضعیت کالبدی و بهداشتی و رفاهی محله؛
۴. شناسایی و کشف روابط بین متغیرهای جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی.

گنوها و بخش مرکزی شهرها:

مطالعه بخش مرکزی شهرهای کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد که این مناطق عمدتاً با فرسودگی کالبدی و افت جمعیتی روبرو بوده‌اند. مطالعه بخش مرکزی شهرهای آمریکا نشان می‌دهد که مساکن این

1. Chi square

مناطق به دلیل هجوم طبقات کم درآمد به واحدهای کوچکتر تبدیل شده و جمعیت آنها در حال کاهش است. در این فرایند این محلات محل زندگی سیاه پوستان و اقلیت‌های قومی شده‌اند (رونشتاین، ۱۹۹۹).

همچنین برای اولین بار هال و هی (Hall, Hay: 1980) در یک مطالعه مقایسه‌ای در بریتانیا، مراحل مختلف توسعه شهری را از رشد قابل مقایسه جمعیت در هسته اولیه شهرها و نهایتاً تمرکز زدائی جمعیت را شناسایی کرده‌اند. بر اساس الگوی عمومی که ون‌دبرگ و دیگران در سال ۱۹۸۲ ارائه کرده‌اند، (Van de Berg: 1982) مهمترین مشخصه مرحله سوم توسعه شهرها، افت جمعیتی و بروز فرسودگی کالبدی در بخش مرکزی آنهاست.

بافت قدیم و بخش مرکزی سبزوار:

شکل گیری بافت قدیم به قبل از ۱۲۰۵ هـ.ش باز می‌گردد که شهر محصور در برج و بارو و خندق و دارای چهار دروازه به نامهای «سبزی» در جنوب، «دروازه نیشابور» در شرق، «دروازه ارگ» در شمال و «دروازه عراق» در غرب بوده است.

بخش قدیمی شهر از دروازه نیشابور تا دروازه عراق با فاصله‌ای حدود ۴۰۰ متر به دو طرف شمال و جنوب خیابان بیهق، شهر قدیم را تشکیل می‌دهد. جاکسون آمریکایی که در سال ۱۳۲۵ هـ.ق از سبزوار دیدار کرده است، پایین کوچه‌های پامنا (سرسنگ)، افتخار، قنبرسیاه، سبزی و دروازه عراق را محلات مسکونی طبقات پایین اجتماع می‌داند.

تا حدود سال ۱۹۲۰ بازار اصلی شهر سبزوار نیز خیابان اصلی شرقی - غربی آن بود و دو دروازه مهم شهر را، یعنی دروازه نیشابور در شرق و دروازه عراق در غرب به یکدیگر متصل می‌کرد. همچنین یک بازار شمالی - جنوبی، بازار اصلی را در غرب امامزاده یحیی قطع می‌کرد و ادامه آن ارگ را به امامزاده یحیی مرتبط می‌نمود. امروزه خیابان عریض بیهق جایگزین بازار قدیمی شده است. هنوز شاخه شمالی - جنوبی بازار قدیم یکی از مراکز عمده تجارت در شهر محسوب می‌شود.

تغییرات ساخت کالبدی سبزوار:

بقایای ارگ سبزوار که در جریان حوادث تاریخی آسیب دیده بود، در اواخر دوره قاجاریه به کلی ویران شد. در سال ۱۹۱۹ میلادی (۱۲۹۸ هـ.ش) زمین ارگ و سمت شمال تسطیح و درختکاری گردید که در حال حاضر به عنوان باغ ملی مورد استفاده شهروندان است. (آریانپور، ۱۳۶۶: ۲۲۵)

طی سالهای ۱۸-۱۳۱۷ خیابانهای بیهق و اسرار در بافت قدیمی و روی دو بازار قدیمی عمود بر هم، که به چهار دروازه شهر ختم می‌شده، احداث گردید و در جریان احداث این دو خیابان، چندین بنای تاریخی واقع در دو سمت این بازارها ویران شد. همچنین در اجرای برنامه‌های نوسازی شهر، دروازه‌ها و آثار بجا مانده از باروی شهر کلاً از بین رفت و با پر کردن خندق پشت بارو خیابانهای جدید احداث گردید. (علی‌آبادی، ۱۳۷۸: ۲۲۵)

محلّه کولی‌های سبزوار:

امروزه در بخش غربی خیابان اسرار مرکزی (از چهارراه امامزاده یحیی به سوی جنوب) به فاصله حدود ۲۰۰ متر، محله‌ای است که به نام محلّه کولیا یا غر شمارند، که جای پر سر و صدایی است و صدای پتک و تیر و تیشه در کارگاههای آنجا با فریاد مردمانش در آمیخته است. به هر حال جمعیت این محله را مهاجرین دوره گرد قدیمی تشکیل داده‌اند و در حالی که در شهر ساکن شده‌اند، باز هم برخی از آنان در فصول بهره برداری جو و گندم برای تعمیر وسایل درو و کشت و کار به روستاها روان می‌شوند.

بگذریم که در پایین این محله، سرای معمارزاده (در میدان اناریهای قدیم) و در سمت مشرق خیابان اسرار مرکزی، سرای شازده و پایتتر از این دو کاروانسراهای دیگری وجود دارند، که همه از لحاظ خرید و فروش پشم و پنبه و پوست و کرک و مو و تمیز کردن و درجه بندی تخمه هندوانه فعال‌اند.

کولی‌های سبزوار:

کولی‌ها این مردم همیشه دربدر و بی سامان که از جهان و هر چه در اوست به اربابه‌ای و چادری قناعت جسته‌اند، نه مدعی سرزمینی هستند و نه ریشه و خاکی دارند. (کولی‌ها، زامار یا استانکو کولی‌ها، ۱۳۶۸) با این‌که

کولیان در همه جای جهان به کار و تلاش و کوشش و فعالیت مشهوراند. با این وجود، مردم با دیدی دیگر به آنها نگاه می‌کنند و می‌توان گفت که اینان را از خود پست‌تر می‌شمارند.

در سبزوار کلمه غر شمار را برای توهین به کار می‌برند. اختلاف شغل و نحوه زندگی و زندگی بیابانگردی موجب شده است که آنان از دیگران جدا شده و هرگز با غیر کولیان نیامیزند. این زندگی بخصوص موجب بروز تفاوت‌های فرهنگی با دیگران شده است.

کولی‌ها در تمام شهرها و روستاهای خراسان ساکن‌اند و یا سالی چند بار به آنجا رفت و آمد دارند. در بین شهرهای خراسان، سبزوار منسجم‌ترین و قدیمی‌ترین کولی‌های اسکان یافته را در خود جای داده است.

آقای هانری رنه آلمانی، در سفری حدود صد سال قبل از سبزوار دیدن می‌کند. در کتاب سفرنامه از «خراسان تا بختیاری» از بازار آهنگران نام می‌برد و می‌نویسد:

«اما بازار آهنگران تماشای دیگری دارد، در این بازار کارگرانی دیده می‌شوند که مانند قهرمانان افسانه‌های قدیمی نیمی از بدن را عریان کرده و پیش بند چرمی به کمر زده‌اند و چکشها را پی در پی به نوبت در روی آهن گذاخته می‌آورند». همچنین ذکر می‌کند «آهنگران به ساختن لوازم زراعت و صنعت از قییل بیل و کلنگ و تیشه و غیره مشغول هستند». (برآبادی: ۱۳۷۱)

انواع کولی‌های سبزوار:

غربت‌های سبزوار را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود: دسته اول که به آنها غربت‌های ترشیشی (ترشیزی) گفته شده و از کاشمر به سبزوار آمده بودند و در محلهایی به نام کوشک در سبزوار سکنی گزیده و در حال حاضر به شهر تهران رفته‌اند. این گروه همگی آهنگر بوده‌اند.

دسته دوم که به آنها غربت‌های کوهمش گفته می‌شود و به گفته خودشان از کوه میش، که منطقه‌ای از بخش ششمد سبزوار است، به شهر سبزوار آمده و در کوچه‌های خیابان رضوی سکنی گزیده‌اند. در محل زندگی آنان غیر غربت هم زندگی می‌کند.

دسته سوم از تمام غربت‌های خراسان منسجم‌تراند. این دسته در غرب خیابان اسرار جنوبی زندگی می‌کنند و در محلات غیر غربت وجود ندارد. (همان منبع: ۲۰)

شغل بیشتر آنان خراطی و آهنگری است و چند تن دیگری نیز هستند که به کارهای رنگرزی، پالاندوزی و اخیراً فروش لباس در کنار خیابان نیز مشغول‌اند.

زنان غربتها هم علاوه بر خانه‌داری و بچه‌داری در کسب درآمد کمک می‌کنند. بعضی صنایع سبک دستی می‌سازند و بعضی در کنار خیابانها بساط گسترده و اشیاء فلزی از قبیل کارد و چاقو و رنده و قندشکن و غیر اینها را می‌فروشند. (بیهقی، ۱۳۷۰: ۱۰۵)

تعاریف و مفاهیم:

اصطلاح کولی:

کولی نام طایفه‌ای است که صحراگرد و چادر نشین بوده و دائم در حال حرکت است و هرگز در جایی اقامت ندارند. کولی‌ها در سرتاسر جهان پراکنده‌اند و در نقاط مختلف نامهای گوناگون دارند. مثلاً در انگلیس اژپتی و چیسی، در فرانسه ژیتان، در هندوستان مانوش، کالو و سنت، در سرزمینهای عربی غربت و حرامی، در افغانستان لولی و... خوانده می‌شوند.

در ایران نیز در هر ولایتی به نامی مشهوراند: قراچی در آذربایجان، غربتی در شیراز و تهران، لولی در فارس، غربت و غر شمال در خراسان.

منشأ این قوم به درستی روشن نیست، گروهی از دانشمندان سرزمین پهناور هند را زادگاه کولی‌ها می‌دانند. آنچه که بیشتر محققان و دانشمندان در مورد آن اتفاق نظر دارند، هندی بودن آنهاست.

ویژگیهای کولی‌ها:

کولی‌ها آخرین گروه کوچ نشین در جهان به شمار می‌روند که مطابق با وضعیت محل، دارای کوچ و حرکات متقابل‌اند و از نظر مطالعات اجتماعی و فرهنگی نیز بسیار اهمیت دارند؛ زیرا امروزه علاوه بر این که شکلهای جالبی از معیشت را در اغلب کشورها به وجود آورده‌اند، در حواشی شهرهای بزرگ و پیشرفته هم به چشم می‌خورند. (مشیری، ۱۳۶۳) از دیدگاه علم جغرافیا، کولی‌ها در زمره کوچ‌نشینان به شمار می‌روند. (پیام یونسکو، سال ۱۳۶۳)

جالب توجه این که هر چند کولی‌ها، در طول قرون، همواره فعالیت‌های خود را با تغییرات اقتصادی تطبیق داده‌اند، ولی همواره در همه جا تعدادی از فعالیت‌های سنتی را نیز حفظ کرده‌اند و همیشه با ساز و آواز و ترتیب

دادن جمعه بازارها و سیرکهای دوره گرد، برای مردم چهره‌هایی شناخته شده‌اند. آنان همچنین به پرورش اسب و پاره ای کارهای دستی اشتغال دارند و زنانشان غالباً به فالگیری می‌پردازند. اکنون در بسیاری از کشورها بخش مهمی از خانواده‌های کولی اسکان یافته‌اند. این اسکان یافتن که گاه به آنان تحمیل شده، همواره توفیق آمیز نبوده است. علی‌رغم اهمیت آموزش، تنها تعداد اندکی از آنان به دلیل سنت دوره گردی از آموزش معمولی برخوردار شده‌اند. در کشورهای اروپایی تلاش زیادی برای اسکان دادن کولی‌ها صورت گرفته است، ولی این تلاشها زیاد مؤثر واقع نشده است. (دانستیه‌ها، ۱۳۶۶)

مهاجرت:

تحرك و جابجایی‌های جمعیتی، سیاستی است که توسط برخی کشورها در دهه ۱۹۸۰ پذیرفته شده است (چمپین و دیگران، ۱۹۸۷). آنها معمولاً مهاجرت را به عنوان جابجایی جغرافیایی بین دو بازار کار تعریف می‌کنند. گرینوود (۱۹۷۵، ۱۹۸۵) و بارتل (۱۹۷۹) فرض کرده‌اند که مهاجرت تنها به جابجایی‌های بین منطقه‌ای محدود می‌شود. لایمن و گراوز (۱۹۸۳) اصطلاح مهاجرت را هم برای جابجایی‌های منطقه‌ای و هم برای جابجایی‌های بین منطقه‌ای به کار برده‌اند. این پژوهشگران و اوون و گرین (۱۹۸۹)، مهاجرت را صرفاً به عنوان تغییر محل زندگی بدون توجه به تغییر محل کار، تعریف کرده‌اند. از طرف دیگر، زاکس (۱۹۹۴) و جانسون و سالت (۱۹۹۰)، مهاجرت نیروی کار را به عنوان تغییر مکان کار و زندگی تعریف کرده‌اند. به طور کلی مهاجرت به معنای عام کلمه، عبارت است از: ترک سرزمین اصلی (زادگاه) و ساکن شدن در سرزمین دیگر به طور موقت یا دائم.

مهاجرت ممکن است به داخل باشد (درون کوچی) یا ممکن است به خارج باشد (برون کوچی)، در هر صورت معیار مهاجرت معمولاً اختلاف محل تولد و محل اقامت است. به طور کلی، مهاجران جوان (۳۴-۳۰) هستند. به عبارت دیگر بین سن و تحرك مکانی جمعیت ارتباط آشکار وجود دارد. این ارتباط معمولاً چنان است که با بالا رفتن سن از ۴۰-۳۵ سالگی به بعد میزان مهاجرت رو به کاهش می‌رود. (شیخی، ۱۳۶۸: ۷۵)

مهاجرت در معنای عام شامل مهاجرت‌های موقت روزانه، مهاجرت‌های فصلی برای کار، مهاجرت‌های میان مدت و بلندمدت و مهاجرت دائمی می‌شود. (تقوی: ۱۴۵)

یافته‌های تحقیق:**ویژگیهای جمعیتی:****الف) جنس و سن**

تعداد اعضای جامعه مورد مطالعه جمعاً ۳۲۴ تن است، که اطلاعات جمعیتی آنها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است. از این تعداد ۱۶۴ تن مرد و ۱۶۰ تن زن می‌باشند. مطالعه ترکیب سنی جامعه مورد مطالعه، نشان می‌دهد که حدود ۵۰ درصد جمعیت ساکن در محله افراد کمتر از ۲۰ سال و در حدود ۵۶ درصد آنان در گروه سنی بین ۲۰ تا ۶۰ سال و فقط ۳/۷ درصد آنها در گروه سنی بالاتر از ۶۰ سال قرار دارند. مطالعه مقایسه‌ای ویژگیهای جمعیتی ساکنان این محله با نتایج مطالعه محله کولی‌های سبزوار در سال ۱۳۵۴ (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۴) نشان می‌دهد که قاعده هرم سنی جامعه مذکور باریکتر و درصد گروه سنی کمتر از ۲۰ سال کاهش یافته است. در حالی که درصد جمعیت فعال جامعه یعنی گروه سنی ۶۰-۲۰ سال از ۳۳ درصد به حدود ۵۶ درصد افزایش یافته است. این موضوع بیانگر اصلاح هرم سنی جامعه مورد مطالعه، طی ۲۸ سال گذشته است.

آمار جمع‌آوری شده از خانوارهای کوی گلستان نشان می‌دهد که نسبت جنسی ساکنان کوی گلستان مشابه جمعیت شهر سبزوار است (۵۱ درصد مرد ۴۹ درصد زن).

مطالعه مقایسه‌ای ترکیب سنی ساکنان کوی گلستان با شهر سبزوار نشان می‌دهد که جامعه کولی‌ها از جمعیت جوانتری برخوردار است. بر اساس آخرین آمار موجود ۳۳/۹ درصد جمعیت سبزوار در گروه ۱۴-۰ سال قرار دارند، در حالی که برای جامعه کولیها حدود ۳۷ درصد می‌باشد. همچنین سالخوردگان بالای ۶۰ سال از درصد کمتری برخوردارند. این امر بیانگر آن است که به دلیل نرخ بالای زاد و ولد، جامعه کولیها نسبت به جامعه سبزوار جوانتر است.

ب) جمعیت کوی گلستان:

بر اساس آمار جمع‌آوری شده توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، جمعیت محله کولیها در سال ۱۳۴۷، ۱۹۷ تن بوده که به صورت ۴۲ خانوار زندگی می‌کرده‌اند.

نتایج اطلاعات جمع‌آوری شده از خانوارهای ساکن در کوی گلستان نشان می‌دهد که این جامعه در سال ۱۳۸۰، حدود ۳۷۰ تن جمعیت داشته است. به عبارت دیگر جمعیت جامعه مذکور طی سالهای ۸۰-۱۳۵۴ با نرخ ۱/۸۷٪ افزایش یافته است.

بر اساس اولین سرشماری رسمی کشور در سال ۱۳۳۵، شهر سبزوار ۳۰۵۴۵ تن جمعیت داشته است. جمعیت این شهر طی دهه‌های ۱۳۳۵-۴۵، ۵۵-۱۳۴۵ و ۶۵-۱۳۵۵ به ترتیب با نرخ ۳/۳ درصد، ۵/۰۷ درصد و ۶/۳۵ درصد افزایش یافته است.

مقایسه نرخ رشد جمعیت کوی گلستان با نرخ رشد جمعیت شهر سبزوار نشان می‌دهد که این محله به شدت مهاجر فرست بوده است.

سواد و آموزش کولیا:

مطالعه جامعه ساکن در کوی گلستان سبزوار نشان می‌دهد که سطح سواد بسیار پایین است. به طوری که ۳۷ درصد جامعه بی‌سوادند، در حالی که حدود ۵۲ درصد آنها دارای تحصیلات ابتدایی می‌باشند. تنها ۳ درصد آنها تحصیلاتشان در سطح دبیرستان و یک درصد در سطح آموزش عالی است. بر اساس سرشماری عمومی سال ۱۳۷۵ از کل جمعیت ده سال بیشتر ساکن در نقاط شهری شهرستان سبزوار، حدود ۱۴٪ آنان بی‌سواد هستند، در حالی که ۱۴/۶٪ آنها دارای تحصیلات عالی‌اند.

به عبارت دیگر میزان بی‌سوادی در محله کوی گلستان بالاتر است، در حالی که سطح تحصیلات عالی در محله به شدت پایین می‌باشد و یک چهاردهم جمعیت شهری ساکن در نقاط شهری است.

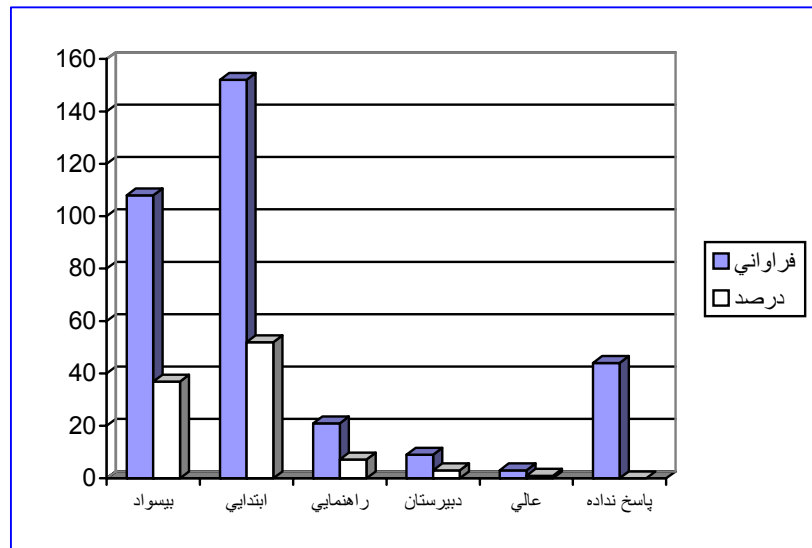
مشکل بی‌سوادی و پایین بودن سطح سواد کولیا یکی از مشکلات اساسی این جامعه است که در کشورهای مختلف، اشکال مختلفی به خود گرفته است.

شیوه زندگی همراه با کوچ و جابه‌جایی همراه با سنت دوره گردی، مانعی اساسی برای آموزش فرزندان این جامعه بوده است. اما تنها یک عامل مانع تحصیل کودکان نیست و در بیشتر مواقع مجموعه‌ای از عوامل در مشکل بی‌سوادی کولیا مؤثر است

شیوه زندگی، آداب و رسوم و تفاوت‌های فرهنگی کولیهای سبزوار با اکثریت جامعه شهری، سبب جدایی‌گزینی فرهنگی و قومی شده است. این جامعه قومی خود به خود توسط اکثریت، کنار زده شده‌اند. همچنین

تقابل فرهنگی بین دو فرهنگ، جامعه کولی سبزوار با دیگر جامعه شهری، باعث مقاومت فرهنگی کولیا در مقابل اکثریت شده است.

نمودار شماره ۱. وضعیت سواد اعضای خانوارهای کولی گلستان



وضعیت کالبدی کولی گلستان:

محل سکونت کولیا از نظر شکل و نوع مصالحی که در ساختمان آن به کار رفته است، تفاوت محسوسی با محل سکونت دیگر سکنته شهر سبزوار دارد. خانه‌هایی که این گروه قومی در آن زندگی می‌کنند به لحاظ ساختاری بسیار قدیمی است، به گونه‌ای که پوشش سقف خانه‌ها اکثراً از تیرهای چوبی و تخته است و در تعدادی از خانه‌ها نیز تیر آهن استفاده شده است.

بناهای قدیمی عموماً در حال تخریب است و داخل خانه‌ها هم از شرایط نامناسبی برخوردار است. مطالعه مسکن کولی گلستان نشان می‌دهد که بیشتر آنها یعنی حدود ۶۷٪ از چوب و آجر ساخته شده‌اند. مشکلات اساسی ساکنان این محله تنگی جا می‌باشد. این فضاها به شکل بسیار نامرتب و بدون پیش‌بینی فضاهای آزاد لازم ساخته شده‌اند و به دلیل تراکم جمعیت و کمبود فضا گاهی تا سه طبقه هم ساخته شده‌اند.

این ساختمانها که عموماً با مصالح خشت و چوب و به صورت بسیار نامناسب ساخته شده‌اند، فاقد هر گونه مقاومت لازم‌اند.

محلۀ گلستان به لحاظ ارتفاع ۳ متر از سطح خیابانهای مجاور پایینتر است و کوچه‌ها و معابر آن باریک و کثیف‌اند. مساکن از لحاظ بهداشتی با مشکلات زیادی روبرو هستند. مطالعه وضعیت بهداشتی مساکن این محله نشان می‌دهد بیش از پنجاه درصد این مساکن با مشکلات بهداشتی زیاد و بسیار زیاد روبرو هستند.

اشتغال:

نتایج مطالعه کوی گلستان نشان می‌دهد که در این محله از جامعه مورد مطالعه، ۸۰ تن معادل ۳۵/۲ درصد جمعیت شاغل هستند و در هر خانوار کولی ساکن در این محله به طور متوسط یک تن کار می‌کند. کارهایی که کولیا در حال حاضر بدان اشتغال دارند در درجه اول خراطی (۲۷/۹ درصد) و در درجه دوم آهنگری (۱۱/۸ درصد) و دستفروشی (۱۰/۲۹ درصد) است.

وسایلی که کولی‌ها می‌سازند در کارگاههای بسیار کوچک و با وسایل ابتدایی ساخته می‌شوند و برای درست کردن آنها زحمت و تلاش فراوانی انجام می‌گیرد. معیشت و زندگی روزانه آنها از طریق فروش وسایل ساخته شده تأمین می‌شود.

زنان کولی با پهن کردن بساط در مسیر خیابان اسرار و خیابان بیهق، که عمدتاً شامل قاشق، چنگال، کارد و دیگر وسایل آشپزخانه است، در امر معاش به مردان کمک می‌کنند.

گروهی نیز جهت کسب درآمد به روستاهای اطراف نظیر ریوند، کوهمیش در روستاهای جوین کوچ می‌کنند. بعضی‌ها به شهرهای تهران و بجنورد، شیروان جهت کسب درآمد مسافرت می‌کنند.

مهاجرت کولی‌های سبزوار:

برای مطالعه مسأله کوچ و جابجایی کولیهای ساکن در محلۀ گلستان، پرسشنامه‌ای ویژه تهیه و برای ۳۷ خانوار که مهاجرت دائمی کرده‌اند، پر شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که از ۳۷ خانوار مذکور، ۳۴ خانوار در جستجوی کار و ۳ خانوار به دلیل بدهکاری فراوان به شهرهای دیگر مهاجرت کرده‌اند.

این تحقیق نشان می‌دهد، که شغل قبلی حدود ۲۱ تن از سرپرست خانوارهای مهاجرت کرده، خراطی بوده است (۵۶/۷ درصد) در حالی که ۲۱/۶ درصد آنها قبلاً به شغل آهنگری مشغول بوده‌اند. از این جامعه فقط دو تن، قبل از مهاجرت بیکار بوده‌اند.

مقصد بیشتر مهاجرین (۷۲/۹ درصد) تهران بوده که عمدتاً آنها در مشاغل خراطی (۴۸/۶ درصد)، آهنگری (۱۶/۲ درصد) و دیگر مشاغل آزاد و در محدوده میدان شوش تهران مشغول‌اند. همچنین چهار خانوار به هشتگرد تهران، دو خانوار به بروجرد، یک خانوار به کرمانشاه، یک خانوار به سلماس، یک خانوار به نیشابور و یک خانوار هم به مشهد مهاجرت کرده است.

از نتایج جالب تحقیق حاضر این است که بیشتر مهاجرین، یعنی ۳۲ خانوار که معادل ۸۶/۴ درصد است، به صورت خانوادگی مهاجرت کرده‌اند. در حالی که فقط پنج تن، که معادل ۱۳/۵ درصد کل مهاجرین است، به صورت مجردی مهاجرت کرده‌اند.

در ادبیات موجود درباره مهاجرت معمولاً بیان می‌شود که عمدتاً جوانان و مجردین مهاجرت می‌کنند. جوانان که دارای انگیزه‌های نیرومندی برای پیشرفت و ترقی هستند، به منظور دست یافتن به آینده بهتر مهاجرت می‌کنند. همچنین مجردین به دلیل نداشتن محدودیت و مشکلات درصد بیشتری از مهاجرین را نسبت به متأهلین تشکیل می‌دهند.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر مهاجرین را سرپرستان خانواده‌هایی تشکیل می‌دهند که در سنین جوانی قرار دارند و دارای انگیزه‌های نیرومندی برای پیشرفت و ترقی هستند.

همچنین، نتایج مطالعه درباره وضعیت تأهل مهاجرین از کوی گلستان نشان می‌دهد که بیشتر مهاجرتها، به صورت خانوادگی صورت گرفته است.

علت این امر را می‌توان در عوامل اجتماعی و زیرساختهای فرهنگی جامعه کولیها دانست. همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، زندگی کولیها همواره با جابه‌جایی و کوچ آمیخته بوده است. کولیها معمولاً به صورت دسته جمعی و خانوادگی، دوره گردی می‌کنند، لذا به نظر می‌رسد که مسأله کوچ و جابه‌جایی کولی‌ها به صورت یک موضوع فرهنگی جزو ساختار اجتماعی این جامعه درآمده است. لذا کولی‌های سبزوار عمدتاً به صورت خانوادگی به نقاط دیگر کشور مهاجرت کرده‌اند.

مطالعه تاریخ مهاجرت و خانوارهای مهاجر نشان می‌دهد که شانزده خانوار قبل از انقلاب و همچنین ۱۶ خانوار، طی ده سال گذشته مهاجرت کرده‌اند، در حالی که طی ده تا بیست و پنج سال گذشته فقط پنج خانوار مهاجرت کرده‌اند. این نتایج نشان می‌دهد مهاجرت از کوی گلستان طی ده سال گذشته، شدت بیشتری پیدا کرده است. مشکلات اجتماعی و اقتصادی و فشار جمعیتی درصد قابل توجهی از خانوارهای کوی را به مهاجرت وادار کرده است.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی بیشتر مهاجرین (۶۲ درصد) در حال حاضر خوب، ۱۶/۲ درصد متوسط و فقط ۸ خانوار یعنی معادل ۲۱/۴ درصد بد می‌باشد. با توجه به مهارت‌های فنی کویها، افراد این جامعه پس از مهاجرت (مخصوصاً به تهران) از وضعیت اقتصادی خوب و گاهی عالی برخوردار شده‌اند. نکته جالب توجه این که، عموماً کسانی که وضعیت خوبی ندارند در سالهای اخیر مهاجرت کرده‌اند.

مهاجرت فصلی کوی‌های سبزوار:

مهاجرت فصلی عمدتاً نوعی از جابجاییهای کوی‌هاست که در فصل معینی از سال و به منظور کسب درآمد و کار، به مناطقی که امکان کار و فعالیت می‌باشد، صورت می‌گیرد.

بررسی مهاجرت فصلی کویهای کوی گلستان نشان می‌دهد که از ۶۸ خانوار کوی ساکن در کوی گلستان، ۲۳ خانوار یعنی معادل ۳۳ درصد، به مهاجرت فصلی دست می‌زنند. این گروه از خانوارها، خانوارهایی هستند که جوانتر بوده و توانایی انجام مهاجرت دارند.

شغل بیشتر این مهاجرین فصلی (۵۶/۵ درصد) دستفروشی است، در حالی که ۱۷/۴ درصد به خراطی و به همین مقدار جهت انجام کارهای آهنگری به مهاجرت فصلی دست می‌زنند.

مقصد بیشتر آنان (۷۸ درصد) تهران و شهرستانهای دیگر می‌باشد و فقط ۳ درصد خانوارها به روستاهای شهرستان سبزوار مهاجرت می‌کنند.

کارگاههای تولیدی در کوی گلستان:

از ویژگیهای برجسته محله کوی گلستان، عملکرد کارگاههای تولیدی در محله مذکور است. این کارگاهها اهمیت زیادی در ایجاد اشتغال، تأمین درآمد و تقویت بنیه اقتصادی خانوارهای کوی دارند. موقعیت

ممتاز کوی گلستان در بخش مرکزی شهر و قرار گرفتن در کنار بازار و بخش تجاری شهر سبزوار، باعث آمیخته شدن نقش سکونتگاهی و کارکرد تجاری محله گلستان شده است. لذا این کارگاهها و نقش اقتصادی محله در بخش مرکزی شهر، از عوامل مؤثر در ایجاد، تقویت و استمرار محله قومی کوی گلستان سبزوار می‌باشد.

همان گونه که قبلاً ذکر شد، کولی‌ها مردمانی هنرمند هستند که عمدتاً به مشاغل خراطی و آهنگری مشغول‌اند. این فعالیتها در کارگاههایی انجام می‌شود که زیر خانه‌های محل سکونت شان در کوی گلستان ساخته‌اند.

روابط بین عوامل:

داشتن کارگاه تولیدی و مهاجرت فصلی خانوار از هم مستقل‌اند: H

داشتن کارگاه تولیدی و مهاجرت فصلی خانوار به هم وابسته‌اند: H₁

بر اساس نظریه روانشتاین در زمینه مهاجرت، عوامل اقتصادی در شکل‌گیری، رشد و استمرار مهاجرتها، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. وی آنها را مهمترین عامل برانگیزنده مهاجرتها می‌داند. لذا بایستی انتظار داشت که خانوارهای کولی مرفه‌تر، مهاجرت فصلی کمتری انجام دهند.

اما همان‌طور که ذکر شد، مهاجرت، مخصوصاً مهاجرتهای فصلی، جزو فرهنگ این اجتماع در آمده و جنبه‌های اجتماعی آن اهمیت پیدا می‌کند. لذا بر خلاف دیگر جوامع، در مورد کولی‌ها می‌توان فرض کرد که بین داشتن کارگاه تولیدی و مهاجرت فصلی خانوارها ارتباطی وجود نداشته باشد، به عبارت دیگر وضعیت اقتصادی خانوار کولی و مهاجرت فصلی از هم مستقل‌اند.

آزمون کای اسکویر (X²) ثابت می‌کند به احتمال زیاد که دو صفت داشتن کارگاه تولیدی و مهاجرت فصلی خانوارهای کولی از هم مستقل‌اند. به عبارت دیگر بین این دو متغیر اصلاً رابطه‌ای وجود ندارد.

جدول شماره ۱. جدول توافقی داشتن کارگاه تولیدی و مهاجرت فصلی خانوار

		مهاجرت فصلی خانوار		کل	
		بلی	خیر		
داشتن کارگاه تولیدی	بلی	فراوانی مشاهده شده	۱۰	۱۷	۲۷
		فراوانی مورد انتظار	۹٫۵	۱۷٫۵	۲۷
	خیر	فراوانی مشاهده شده	۱۴	۲۷	۴۱
		فراوانی مورد انتظار	۱۴٫۵	۲۶٫۵	۴۱
کل	فراوانی مشاهده شده	۲۴	۴۴	۶۸	
	فراوانی مورد انتظار	۲۴	۴۴	۶۸	

Pearson Chi-Square .060 Asymp. Sig. .807 Cramers V.030

وضع فعالیت سرپرست خانوارها و مهاجرت فصلی خانوارها از هم مستقل‌اند: H_0

وضع فعالیت سرپرست خانوارها و مهاجرت فصلی خانوارها به هم وابسته‌اند H_1

در ادامه آزمون تأثیر وضعیت اقتصادی خانوارهای کولی در مهاجرت فصلی، رابطه بین وضعیت فعالیت آنها (شاغل و یا بیکار بودن سرپرست خانوار) با مهاجرت فصلی مورد سنجش قرار گرفته است. آزمون کای اسکویر (χ^2) نشان می‌دهد که بین وضع فعالیت خانوارهای کولی و مهاجرت فصلی آنها اصلاً رابطه‌ای وجود ندارد. بدین معناست که دلیل کافی برای رد فرضیه صفر وجود ندارد. به عبارت دیگر وضع فعالیت سرپرست خانوارها و مهاجرت فصلی آنها از یکدیگر مستقل‌اند و هیچ‌گونه ارتباطی بین آنها نیست. این آزمون نیز نتایج آزمون پیشین در ارتباط با مهاجرت‌های فصلی را مورد تأیید قرار می‌دهد.

به منظور سنجش تأثیر وضعیت اقتصادی خانوارها بر بافت مساکن، رابطه بین داشتن کارگاه تولیدی و نوع مصالح ساختمانی مساکن مورد آزمایش قرار گرفته است.

فرضیه این است، بین داشتن کارگاه تولیدی و نوع مصالح به کار گرفته در مساکن خانوارها، رابطه وجود دارد.

آزمون کای اسکویر (χ^2) اثبات می‌کند که به احتمال بسیار زیاد (بیش از ۹۹٪) فرض صفر یعنی استقلال دو متغیر بالا رد می‌شود. به عبارت دیگر این دو متغیر با احتمال بالا به هم وابسته‌اند (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۲. جدول توافقی داشتن کارگاه تولیدی و مصالح ساختمانی بکار رفته در مساکن کوی گلستان

		نوع مصالح ساختمانی		کل	
		چوب و آجر	تیر آهن		
داشتن کارگاه تولیدی	بلی	فراوانی مشاهده شده	۱۱	۱۶	۲۷
		فراوانی مورد انتظار	۱۸,۳	۸,۷	۲۷
	خیر	فراوانی مشاهده شده	۳۵	۶	۴۱
		فراوانی مورد انتظار	۲۷,۷	۱۳,۳	۴۱
کل		فراوانی مشاهده شده	۴۶	۲۲	۶۸
		فراوانی مورد انتظار	۴۶	۲۲	۶۸

Pearson Chi-Square 14.813

Asymp. Sig. .000

Cramers V.467

این آزمون نشان می‌دهد که خانوارهایی که از وضعیت اقتصادی بهتری برخوردار بوده‌اند، در بازسازی مساکن اقدام نموده‌اند.

برای سنجش تأثیر وضعیت اقتصادی خانوار در فرسودگی محله، در این آزمون رابطه بین وضع فعالیت سرپرست خانوار از نظر شاغل یا بیکار بودن، با نوع مصالح ساختمانی مساکن مورد مطالعه قرار گرفته است. آزمون کای اسکویر (χ^2) نشان می‌دهد که بین شاغل و بیکار بودن سرپرست خانوار، با نوع مصالح به کار رفته در مساکن رابطه وجود دارد. به احتمال ۹۶ درصد دلایل کافی برای رد فرضیه صفر، یعنی استقلال دو متغیر، وجود دارد. البته محاسبه ضریب همبستگی کرامر نشان می‌دهد که میزان همبستگی متوسط است.

داشتن کارگاه تولیدی و سن مساکن خانوارها از هم مستقل اند. : H_0

داشتن کارگاه تولیدی و سن مساکن خانوارها به هم مرتبط هستند. : H_1

در ادامه بحث، وضعیت کالبدی محله کوی گلستان و تأثیر وضعیت اقتصادی خانوارهای کوی، رابطه بین داشتن کارگاه تولیدی و سن مساکن خانوارها، مورد آزمایش و سنجش قرار گرفته است.

همچنین آزمون کای اسکویر (χ^2) اثبات می‌کند که بین وضعیت اقتصادی خانوار و فرسودگی

مساکن و نوع مصالح به کار رفته در مسکن ارتباط وجود دارد.

مطالعه وضعیت بهداشتی خانوارهای مساکن در کوی گلستان نشان داد که حدود ۶۰ درصد مساکن در کوی گلستان با مشکلات بهداشتی زیاد و خیلی زیاد رو به رو هستند. و تنها ۱۶/۲ درصد آنها از مشکلات بهداشتی کمی برخوردارند.

از فرضیاتی که در ارتباط با ایجاد شرایط بهداشتی مساکن به نظر می‌رسد، تأثیر وضعیت بد اقتصادی وضعف خانوار می‌باشد. به منظور ارزیابی این فرضیه، داشتن کارگاه تولیدی به عنوان شاخص وضعیت اقتصادی بهتر استفاده شده است.

آزمون کای اسکویر (X^2) اثبات می‌کند که داشتن کارگاه تولیدی و مسائل مشکلات بهداشتی خانوارها از هم مستقل‌اند. به عبارت دیگر ارتباطی میان داشتن کارگاه تولیدی و مشکلات بهداشتی وجود ندارد.

نتیجه گیری:

کولی‌ها در بسیاری از شهرها و روستاهای خراسان ساکن‌اند و یا به آنجا رفت و آمد می‌کنند. در بین شهرهای خراسان، سبزوار منسجم‌ترین و قدیمی‌ترین کولی‌های اسکان یافته را در بر دارد. کولی‌های مورد مطالعه ما عمدتاً در حاشیه تقاطع دو بازار سنتی و قدیمی شهر سبزوار ساکن هستند.

مطالعه ترکیب سنی جمعیت ساکن در کوی گلستان نشان می‌دهد که هرم سنی این جامعه طی سالی گذشته اصلاح شده و درصد جمعیت فعال آنها افزایش یافته است. اما مطالعه مقایسه‌ای ترکیب سنی این جامعه با کل جامعه شهری سبزوار نشان می‌دهد که به علت نرخ بالای زاد و ولد، جامعه کولی‌ها جوانتر بوده و قاعدتاً هرم سنی آنها نیز پهن‌تر است. همچنین مقایسه نرخ رشد جمعیت شهر سبزوار با محله کوی گلستان نشان می‌دهد که این محله به شدت مهاجر فرست بوده است. مطالعه وضعیت سواد و آموزش در کوی گلستان سبزوار نشان می‌دهد که سطح سواد بسیار پایین می‌باشد.

شیوه زندگی، آداب و رسوم و همچنین تفاوت‌های فرهنگی کولی‌های سبزوار، سبب جدایی‌گزینی فرهنگی و قومی و در نهایت عقب ماندگی فرهنگی کولی‌ها شده است. همچنین این مطالعه نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد این مساکن با مشکلات بهداشتی زیادی روبرو هستند.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر قاطع آنها در جستجوی کار به شهرهای دیگر مهاجرت کرده‌اند. مقصد بیشتر مهاجرین (۷۲/۹ درصد) تهران بوده و مشاغل آنها به ترتیب خرّاطی و آهنگری می‌باشد. از نتایج

جالب تحقیق این است که بیشتر مهاجرتها به صورت خانوادگی صورت می‌گیرد. دلیل این امر زیرساختهای فرهنگی جامعه کولی است. کولی‌ها معمولاً به صورت دسته‌جمعی و خانوادگی دوره گردی می‌کنند. همچنین نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی بیشتر مهاجرین در حال حاضر خوب و گاهی عالی می‌باشد. این موضوع به دلیل مهارتهای فنی است که غالباً کولی‌ها از آن برخوردارند. خانوارهای کولی کوی گلستان سبزوار، علاوه بر مهاجرتهای دائمی، به مهاجرتهای فصلی دست می‌زنند. از ویژگیهای برجسته کوی گلستان، آمیخته شدن نقش سکونتگاهی و کارکرد تجاری محله گلستان می‌باشد.

نتایج آماری تحقیق نشان می‌دهد که میان وضعیت اقتصادی و فعالیت سرپرست خانوار با مهاجرتهای فصلی آنها، رابطه‌ای وجود ندارد. این نتایج بر اهمیت جنبه‌های اجتماعی مهاجرت کولی‌ها تأکید دارد. همچنین، این نتایج نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی خانوار تأثیر مهمی بر بافت و فرسودگی مساکن داشته است. این آزمون نشان می‌دهد که خانوارهایی که از وضعیت بهتری برخوردار بوده‌اند، از مساکن مستحکم و جدیدتری برخوردار بوده‌اند، لذا برای بازسازی و بهسازی محله کوی گلستان، شرایط اقتصادی خانوارها از اهمیت زیادی برخوردار است و خانوارهای کولی به دلیل ضعف اقتصادی از مساکن فرسوده و قدیمی برخورداراند.

از نکات جالب این تحقیق ارتباط بین مشکلات بهداشتی مساکن و وضعیت اقتصادی خانوار است. این نتایج نشان می‌دهد که مشکلات بهداشتی مساکن، یک مشکل عمومی محله است و شرایط اقتصادی خانوارها در آن چندان تأثیری ندارند.

نتایج نشان می‌دهد که بیشتر آنها دلیل استقرار در محله را زندگی اجدادی و تولد در محل ذکر کرده‌اند. به عبارت دیگر وابستگیهای قومی و خویشاوندی، مهمترین دلایل اسکان در محله است. به علاوه، نظر سنجی‌ها نشان می‌دهد که مسائلی چون جرم و جرائم و مشکلات خانوادگی از اهمیت بسیار کمی برخوردار است و بیشتر ساکنان انگیزه کافی برای بهسازی یا بازسازی این محله را دارند. همچنین مهمترین مشکل برای بازسازی و بهسازی کوی گلستان، عدم همکاری مسؤولان و کمبود بودجه ذکر شده است.

نتایج نظر سنجی نشان می‌دهد که فقط ۴/۵ درصد پیشنهاد داده‌اند که کوی گلستان صرفاً محل زندگی باشد، این موضوع اهمیت تجاری محله گلستان را نشان می‌دهد.

بیشتر ادارات و سازمانهای شهر سبزوار معتقداند که ساکنان کوی گلستان بایستی در یک محله متمرکز باشند و تنها کسبه و ساکنان مجاور این محله، تمایل زیادی نسبت به پراکندگی آنان از کوی گلستان نشان داده‌اند. همچنین، بیشتر ساکنان مناطق مختلف شهر خواهان انتقال جمعی کویها به مکان دیگری هستند. این محله دچار مشکلات متعدد اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی است، لذا ساماندهی و بهینه‌سازی کوی گلستان امری کاملاً ضروری می‌باشد. به علاوه محله گلستان از درجه وحدت قومی بالایی برخوردار است که این موضوع امر بهسازی کوی گلستان را تسهیل می‌کند.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که یکی از علل اساسی پیدایش و استمرار کوی گلستان در مرکز شهر، سهولت دسترسی به بازار کار و اشتغال در بخشهای غیر رسمی است. لذا جابجایی آنها به معنای دور کردن آنها از مکان کار است.

همچنین از آثار منفی جابه جایی ساکنین کوی گلستان، متلاشی شدن شبکه‌ها و ارتباطات اجتماعی محله مذکور می‌باشد، که به آنها کمک می‌کند از عهده شرایط مشکل و سخت زندگی برآیند.

منابع و مأخذ:

۱. باشتی، مهدی (۱۳۷۹)، طرح ساماندهی کویهای سبزوار.
۲. برآبادی، احمد (۱۳۷۱)، مراسم غربتهای سبزوار.
۳. بیهقی، محمود (۱۳۷۰)، سبزوار شهر دیرینه‌های پایدار، کتابستان مشهد، صص ۱۰۶-۱۰۵.
۴. پرپور، جی رابین (۱۳۶۸)، یگانه سازی نظریات مهاجرت‌های داخلی و بین‌المللی، ترجمه و تلخیص عبدالعلی لهسایی زاده، نظریات مهاجرت، انتشارات نوید، شیراز.
۵. پیام یونسکو، شماره (۱۳۶۳).
۶. تقوی نعمت‌اله، میانی جمعیت‌شناسی، انتشارات نیما، تبریز.
۷. روینشتاین، جیمز (۱۹۹۰)، مشکلات مناطق مرکزی شهرهای آمریکا، مترجمان: محمدعلی احمدیان و غلامحسین خاوری، ماهنامه شهرداریها، شماره ۳۷، صص ۷۲.
۸. زامار یا استانکو (۱۳۶۸)، کویها، مترجم: محمد علی صدقی، انتشارات زرین نشر نقره ۸.
۹. سازمان برنامه و بودجه، برنامه و بودجه خراسان، دفتر مطالعات ناحیه‌ای (۱۳۵۴)، بررسی اجمالی در زمینه ویژگیهای اجتماعی و اقتصادی غربتهای سبزوار.

۱۰. شیخی، محمد تقی (۱۳۶۸)، *مقدمه‌ای بر مبانی جمعیت‌شناسی*، نشر آرام.
۱۱. مجله دانستیها (۱۳۶۶)، اول اردیبهشت.
۱۲. مرکز آمار ایران، *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور، استان خراسان، شهرستان سبزوار سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵*.
۱۳. مشیری، رحیم (۱۳۸۰)، *جغرافیای کوچ‌نشینی، سازمان مطالعه و بررسی کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)*، تهران.
14. Bartel A.P., (1979), *The Migration Decision: What Role Does Job Mobility Play?*, *American Economic Review* 69, 775-786.
15. Champion, T., Green A. and Owen, D., (1987), *Housing, Labour Mobility and Unemployment*, *The Planner*, April 1987, PP. 11-17.
16. Greenwood, M.J. (1985), *Human Migration: Theory, Models and Empirical Studies*, *Journal of Regional Science*, 25 (4), PP. 521-544.
17. Greenwood, M.J. (1975), *Research on Internal Migration in the United States*, *Journal of Economic Literature*, 13, PP. 397-433.
18. Hall, P. and Hay, D. (1980), *Growth Centres in the European Urban System*, Heinemann Educational Books, London.
19. Johnson J. and Salt J. (1990), Labour Migration: the General Context, in J. Johnson and J. Salt (Eds.), *Labour Migration*, David Futon Publishers, London, PP. 1-13.
20. Linneman, P. and Graves, P.E. (1983), *Migration and Job Change: A Multinomial Logic Approach*, *Journal of Urban Economics*, 14, pp. 263-279.
21. Owen D.W., and Green A.E., (1989), Spatial Aspects of Labour Migration in the 1980s, *Geoforum*, 20, PP. 107-136.
22. Van de Berg, L., Klaassen, L. H., Rossi, A., Vijverberg, C., (1982), *Urban Europe, A Study of Growth and Decline*, Pergamon Press, London.
23. Zax, I.S. (1994), When a Move is a Migration?, *Regional Science and Urban Economics*, vol. 24, PP. 53-70.